



انذشكده زكرب سز دسپس

مجموعه مقالات - بهمن ماه ۱۳۹۵



کنفرانس وحدت؛ آسیب‌ها و پیشنهادات



مجموعه مقالات



کنفرانس وحدت؛ آسیب‌ها و پیشنهادات



کاری از اندیشکده راهبردی تبیین



وبسایت اندیشکده: www.Tabyincenter.ir



نشانی:

تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، **خیابان شهید آیت الله نمر** (بوستان سابق)، خیابان نسترن، پلاک ۳۲



کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱



تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمبر: ۲۶۱۵۳۳۳۹

فهرست

مقدمه / ۱

۱- ناکارآمدی کنفرانسهای حجیم برای هدف تقریب / ۲

۲- تأثیر شرایطی سیاسی منطقه بر کنفرانسهای تقریب / ۴

۳- جمع بندی و پیشنهاد / ۶

مقدمه

این روزها که آتش فتنه مذهبی و اختلافات متعدد در امت اسلامی بیش از هر وقت و زمان دیگری خود را نمایان ساخته است پرداختن به دیپلماسی وحدت اسلامی با نگاهی آسیب شناسانه حائز اهمیتی دوچندان است. گذشت ۳۰ سال از برگزاری نشست‌های سالانه کنفرانس وحدت اسلامی از سویی و روبرو شدن امت اسلام با شرایط سیاسی جدید که تأثیرات مستقیمی بر این دیپلماسی بر جای گذاشته از دیگر سو، بر لزوم تأمل در باب اقداماتی که ذیل دیپلماسی وحدت در جمهوری اسلامی ایران محقق می‌شود تأکید دارد.

هر چند برگزاری سالانه کنفرانس‌های وحدت تنها اقدام صورت گرفته توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نبوده لکن شکی نیست که نمود و بروز اقدامات تقریبی این مجمع، عمدتاً در نشست‌های سالانه تقریب رخ داده و از این رو تمرکز این نوشتار بر کنفرانس‌های مذکور است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که مجمع جهانی تقریب مذاهب بعنوان متولی مستقیم دیپلماسی وحدت در جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم نیات خالصانه و انقلابی مسئولین آن مانند هر نهاد و مجموعه دیگر مصون از خطا نبوده و آنچه در این نوشتار بعنوان انتقاد نسبت به برخی از اقدامات این نهاد محترم و انقلابی مطرح می‌شود انگیزه‌ای جز توسعه و تقویت دیپلماسی وحدت ندارد.

با گذشت ۳۰ سال از برگزاری نشست‌های سالانه کنفرانس وحدت اسلامی جا دارد با نگاهی به شرایطی که بواقع بر امت اسلامی تحمیل شده است بار دیگر آسیب شناسانه چنین کنفرانس‌هایی مورد مذاقه قرار گیرد. کنفرانس‌های وحدت اسلامی بعنوان مهم‌ترین اقدامی که مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در طول سال رقم می‌زند در معرض دو دسته کلی از چالش‌ها قرار دارد: «ناکارآمدی کنفرانس‌های حجیم برای هدف تقریب» و «تأثیر شرایطی سیاسی منطقه بر کنفرانس‌های تقریب» که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

اندیشکده راهبردی تبیین

۱- ناکارآمدی کنفرانس‌های حجیم برای هدف تقریب

هدف اصلی تمامی کنفرانس‌ها «تأثیر و تأثر» بر مدعوینی است که از سرتاسر دنیا پیرامون موضوعی مشخص گردآمده‌اند و کنفرانس‌های تقریب نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ لکن زمانی که این کنفرانس‌ها در قالب نشست‌هایی «حجیم» با حضور چند صد تن از مهمانان از کشورهای مختلف برگزار می‌شوند مجموعه عواملی در کنار هم باعث می‌شود تا هدف مذکور محقق نشود. این موارد همان‌طور که اشاره شد خاص کنفرانس تقریب نبوده و مشکل عام نشست‌هایی از این دست است که به نظر می‌رسد سال‌هاست مجمع جهانی تقریب نیز به آفت این‌گونه نشست‌ها دچار شده است:

- حجم بالای اقدامات اجرایی: نخستین ویژگی چنین نشست‌هایی تمرکز بالای اقدامات اجرایی به واسطه حضور هم‌زمان تعداد قابل توجهی از مهمانان از کشورهای مختلف است. بخش قابل توجهی از توان مدیریتی نهادهای برگزارکننده چنین کنفرانس‌هایی صرف هماهنگی‌های اجرایی قبل و حین و بعد از کنفرانس می‌شود. آنچه در این نوع برنامه‌ها عمدتاً بعنوان مسئله نخست برگزارکنندگان شناخته می‌شود تلاش برای برگزاری بی‌عیب و نقص بوده و مسئله مهم «تأثیر و تأثر» بر روی تک‌تک مهمانان به صورت طبیعی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد.

- فشردگی برنامه‌ها: اگر حجم بالای برنامه‌های اجرایی منجر به کاهش توجه برگزارکنندگان به مسئله اثرپذیری و اثرگذاری مهمانان می‌شود، فشردگی عمومی چنین برنامه‌هایی شرایط را برای مهمانان به گونه‌ای رقم می‌زند که قادر نیستند آن‌گونه که باید و شاید از فضای فراهم شده از حضورشان در کنفرانس مذکور بهره ببرند.

- برنامه‌های تشریفاتی زائد: طبیعت چنین کنفرانس‌های حجیمی وجود دسته‌ای از برنامه‌های تشریفاتی عملاً زائد در جریان همایش است که به سخنرانی‌های برخی چهره‌ها و مسئولین می‌گذرد که در بسیاری از موارد بواقع کمکی به موضوع همایش نمی‌کنند.

• عدم طرح عمیق و چالشی مسائل: نکات فوق و شرایط عمومی این همایش‌ها باعث می‌شود تا عملاً در جریان نشست‌های مذکور مباحث مطرح شده نه آن‌چنان عمیق باشند و نه آن‌گونه که باید و شاید مورد نقد و بحث و بررسی قرار می‌گیرند. بسیاری از مباحث مطروحه حتی در کمیسیون‌های جانبی این کنفرانس‌ها عمدتاً به دلیل محدودیت وقت نیمه‌کاره‌ها می‌شوند.

• پایین آمدن سطح کیفی مهمانان: تلاش برای دعوت از جمع قابل توجهی از مهمانان از کشورهای مختلف از جمله مهم‌ترین چالش‌های برگزاری این نوع کنفرانس‌هاست. برای مثال در جریان کنفرانس‌های تقریباً بخش قابل توجهی از مهمانان تا چند سال قبل مهمانان همیشگی و تکراری سال‌های متمادی بودند که همین امر باعث شد مسئولین امر را بعد از برگزاری بیست و چند دوره به این فکر بیندازد که می‌بایست لیست مدعوین تغییر کند. نتیجه طبیعی این مسئله (تلاش برای دعوت از جمع قابل توجهی از کشورها) پایین آمدن سطح کیفی مهمانان و بخش قابل توجهی از کسانی است که در کنفرانس شرکت می‌کنند و نه اثری بر همایش برجای می‌گذارند و نه اساساً تأثیری از کنفرانس می‌گیرند!

• عدم پیوستگی منطقی بین نشست‌های سالانه: از جمله مهم‌ترین ایرادات حاکم بر کنفرانس‌های سالانه مستمر، عدم پیوستگی منطقی بین کنفرانس‌های سالانه است به گونه‌ای که کنفرانس هر سال بدون ارتباط منطقی با نشست سال قبل و بدون برنامه‌ریزی برای نشست سال بعد محقق می‌شوند. بواقع بجای آنکه نشست‌های سالانه مذکور خطی صعودی را برای رسیدن به نقطه مطلوب شکل دهند، عملاً سلسله نقاط منفکی هستند که ارتباط منطقی نیز بایکدی ندارند.

با توجه به نکات ذکر شده فرایند «تأثیر و تأثر» در چنین دست از کنفرانس‌ها و نشست‌هایی دچار اختلال جدی شده و عملاً تنها چیزی که برگزاری این دست از کنفرانس‌ها برمی‌آید فضا سازی رسانه‌ای محدود است که اساساً هدفی مستقل نیست.

آنچه عملاً در خلال سال‌های اخیر رخ داده، بایکوت شدن کنفرانس‌های تقریب از سوی آن دسته از علمای اهل سنتی بوده است که رویکردی متفاوت از ما در تحلیل مآووق بحرآن سوریه داشته‌اند و نگاه واقع‌گرایانه به ما خواهد گفت که این دسته، تشکیل‌دهنده اکثریت علمای اهل سنت جهان اسلام هستند؛ دسته‌ای که مشکل تقریب در جهان اسلام در مواجهه با همان‌هاست.

۲- تأثیر شرایطی سیاسی منطقه بر کنفرانس‌های تقریب

صرف نظر از مجموعه نکاتی که در بالا آمد و فرآیند عمومی تأثیر و تأثر را در جریان کنفرانس‌های تقریب دچار اختلال می‌کند، مجموعه‌ی دیگری از عوامل نیز وجود دارند که بواقو تأثیرگذاری بر روی جامعه مخاطب اصلی دیپلماسی وحدت را دچار اختلال می‌کند. دیپلماسی وحدت با هدف نزدیک کردن «بدنه» امت اسلامی به یکدیگر و دوری و تجنب از افراطی‌گری مذهبی، بواقو شعوب و ملت‌های مسلمان دنیا را هدف قرار داده است؛ حال آنکه شرایط سیاسی کنونی عملاً دیواری میان ما و بخش قابل توجهی از بدنه امت اسلامی ایجاد کرده و به نظرمی رسد کنفرانس‌های وحدت در مواجهه با این مانع نیازمند تغییر راهبردها و تکنیک‌هایش است.

شرایط جدید در جهان اسلام بعد از سال ۲۰۱۱ میلادی و آغاز بحرآن سوریه عملاً متغیر و مجهولی جدید را به معادله تقریب و دیپلماسی وحدت اضافه کرده است که تا پیش از این یا وجود نداشت و یا بسیار محدود عمل می‌کرد؛ متغیر «سیاست». نگاهی به تاریخ منازعات اخیر در منطقه غرب آسیا که مشخصاً با حمله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان و در پی آن حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ شروع شد، روشن می‌سازد که از همان سال‌ها جریانات تکفیری جهادی با خاستگاه سیاسی در وهله نخست و پس از آن خاستگاه‌های مذهبی و طائفی اقدام به تقابل با شیعیان کردند. لکن چنین جریاناتی در مقایسه با عموم جهان اسلام بسیار محدود بودند و نگرششان تأثیری بر بدنه امت اسلامی بر جای نمی‌گذاشت.

با آغاز تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۲۰۰۶ و جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان علیه این رژیم، متغیر «سیاست» نقش مثبت و پررنگ خویش را بر روی دیپلماسی وحدت نمایان ساخت. از شرق تا غرب جهان اسلام با فراموشی اختلافات مذهبی، سید حسن نصرالله به محبوب‌ترین چهره مسلمان تبدیل

شد که مرزهای مذهبی را در نور دیده و همدلی ای مثال زدنی در سرتاسر جهان اسلام به وجود آورد. چهره‌های اثرگذار جهان اهل سنت نیز در فضای سیاسی جدید شکل گرفته به واسطه مقاومت حزب الله علیه دشمن صهیونیستی سخن از لزوم وحدت و فراموشی اختلافات تاریخی و کلامی و فقهی راندند. نگاهی به مواضع چهره‌هایی چون شیخ یوسف قرضاوی و جریاناتی مانند حرکت اخوان المسلمین در جریان جنگ سال ۲۰۰۶ مویدی بر این مدعاست که متغیر سیاست تا چه میزان در دیپلماسی وحدت نقش آفرین است.

با گذشت زمان و آغاز بحران سوریه در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی یک بار دیگر متغیر سیاست تأثیر خود را بر مقوله وحدت نمایان ساخت لکن این بار در جهتی کاملاً معکوس با آنچه در سال ۲۰۰۶ رخ داد! در فضای سیاسی جدید که ایران به همراه حزب الله لبنان در کنار حکومت سوریه ایستاده بود، جریان خبری عربی و غربی توانست به دلایل مختلف - که ذکر آن در این مجال نمی‌گنجد - در ترسیم چهره یک جنگ تمام عیار مذهبی موفق عمل کند که در آن شیعیان در حمایت از علویان حاکم بر سوریه دست به قتل عام اهل سنت زدند. این جریان خبری تا همین امروز ادامه داشته و مشخصاً در جریان آزادسازی حلب به اوج خود رسید و اغراق نیست اگر ادعا شود که گوشه‌ای از دنیای اهل سنت نیست که تصویرسازی صورت گرفته از جنگ سوریه را به صورت نسبی نپذیرفته باشد.

در چنین فضای سیاسی رسانه‌ای حاکم بر جهان اسلام که اختلاف نگاه بر سر مآجرای سوریه تبدیل به جدیت‌ترین اختلاف مذهبی در اقصی نقاط دنیا شده است، نمیتوان توقع داشت که طرح بحث تقریب و وحدت از سوی طرف مقابل، فارغ از فضای سیاسی حاکم بر منطقه غرب آسیا ادراک و فهم شود و این امری است که نه تنها در جریان کنفرانس تقریب مورد توجه قرار نگرفته، بلکه دقیقاً رویکردی معکوس در قبال آن اتخاذ شده است.

آنچه عملاً خلال سالهای اخیر رخ داده، بایکوت شدن کنفرانسهای تقریب از سوی آن دسته از علمای اهل سنتی بوده است که رویکردی متفاوت از ما در تحلیل مآوقع بحران سوریه داشته‌اند و نگاه واقع‌گرایانه به ما خواهد گفت که این دسته، تشکیل دهنده اکثریت علمای اهل سنت جهان اسلام هستند؛ دسته‌ای که

مشکل تقریب در جهان اسلام در مواجهه با همان هاست.

نکته دیگر که توجه بدان ضروری است این است که آن دسته از علمایی که یا نسبت به وقایع سوریه لابلش هستند و یا نگاهی منطبق بر نگاه ما دارند، در مواجهه با بدنه مردم مسلمان کشورهای خود مانند گذشته صاحب نفوذ و اثرگذاری نیستند چه آنکه این بدنه به صورت مستقیم تحت تأثیر جریان‌های رسانه‌ای قرار دارد که اذهانشان را تحت تأثیر قرار داده است. شرایط زمانی بغرنج‌تر میشود که حضور چهره‌هایی چون شیخ حسون عملاً رویکرد سیاسی کنفرانس‌های وحدت را مشخص کرده و حتی امکان حضور طیف دیگر از علمای اهل سنت را ممتنع می‌سازد. به تعبیری طنزگونه کنفرانس مذکور بیش از آنکه کنفرانس تقریب و وحدت اسلامی باشد، کنفرانس علمای مقاومت است! که البته کارکرد خود را داشته لکن با هدف گذاری از کنفرانس - های تقریب که تأثیرگذاری بر روی بدنه امت اسلامی است، همخوانی ندارد.

می‌بایست میان ما و جهان اهل سنت تفاهمی بدین مضمون رخ بدهد که بحران سوریه نمی‌تواند ملاک و معیار درستی برای تعیین مرزبندی‌ها و خط‌کشی‌های سیاسی در بدنه امت اسلامی قرار گیرد و تأیید هر کدام از طرفین معرکه سوریه، به منزله تأیید اشتباهاتی که در جریان معرکه جنگ رخ می‌دهد نیست. شاید در چنین شرایطی برگزاری نشست‌های تقریبی در مکانی خارج از ایران، به زوده شدن این فرض‌های ذهنی در طرف مقابل کمک کند؛ هرچند که راه پیش‌روی دیپلماسی وحدت در این معرکه بسیار سخت می‌نماید چه آنکه عملاً سیاست، تبدیل به مهم‌ترین عامل اثرگذار بر آن شده است!

۳- جمع بندی و پیشنهاد

به منظور مقابله با چالش نخست پیشروی کنفرانس‌های تقریب، بازنگری جدی در برگزاری کنفرانس - های بزرگ و جایگزین کردن آن با نشست‌های محدود و کوچک امری ضروری می‌نماید تا فرآیند تأثیر و تأثر در آن به بالاترین سطح ممکن برسد. از نگاه نگارنده این سطور، مسئولین امر در مجمع جهانی تقریب مذاهب بیش از هر کس دیگری به مشکلات، مسائل، سختی‌ها و ناکارآمدی چنین کنفرانس‌های حجیمی واقف‌اند

لکن آنچه بدان احتیاج است، شهامت کنار گذاشتن رسم ناکارآمدی است که این سال‌ها تداوم داشته است. فارغ از چالش ساختاری ذکر شده، مسئله‌ی چگونگی مواجهه باشکاف عمیقی که در میان امت اسلامی بر سر بحران سوریه شکل گرفته است امر دیگری است که بررسی و تحقیق بسیار گسترده‌تری را از این مجال می‌طلبد. لکن کوتاه و گذرا به نظر میرسد که می‌بایست میان و ما و جهان اهل سنت تفاهمی بدین مضمون رخ بدهد که بحران سوریه نمی‌تواند ملاک و معیار درستی برای تعیین مرزبندی‌ها و خط‌کشی‌های سیاسی در بدنه امت اسلامی قرار گیرد و تأیید هر کدام از طرفین معرکه سوریه به منزله تأیید اشتباهاتی که در جریان معرکه جنگ رخ می‌دهد نیست. شاید در چنین شرایطی برگزاری نشست‌های تقریبی در مکانی خارج از ایران به زوده شدن این فرض‌های ذهنی در طرف مقابل کمک کند؛ هرچند که راه پیشروی دیپلماسی وحدت در این معرکه بسیار سخت می‌نماید چه آنکه عملاً سیاست، تبدیل به مهم‌ترین عامل اثرگذار بر آن شده است!



کنفرانس‌های تقریب به‌عنوان شاخص‌ترین اقدام در راستای دیپلماسی وحدت با دو نوع چالش اصلی روبروست. چالش نخست ناظر به چالش‌های ساختاری برگزاری کنفرانس‌های حجیم است که سطح مطلوب تأثیر و تأثر در آن بسیار کاهش می‌یابد. چالش دوم ناظر به کنشگری بالای مؤلفه‌های سیاسی منطقه بر روی دیپلماسی وحدت است که بالتبع کنفرانس تقریب رانیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.



www.Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران:



@Tabyincenter

شبکه (کانال) اندیشکده راهبردی تبیین در تلگرام: